

مهارت موفقیت تحصیلی (علمی) در قرآن

عبدالعلی پاکزاد

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز، ایران.

چکیده

در اولین آیات نازل بر پیامبر اسلام سخن از خواندن و نوشتن به میان آمده است که نشان از اهمیت و ارزش علم و دانش آموزی است. براساس حس کنجکاوی، آدمی میل به کشف مجهولات وجود خود و اطرافش و پیشرفت علمی دارد. این نوشتار با رویکرد توصیفی تحلیلی با تکیه بر آیات کریمه و روش تفسیر موضوعی و معنی شناسی و هدف ارائه مهارت های قرآنی در موفقیت تحصیلی بوده، که آدمی در پرتو آن می تواند در مسیر تحصیلی به موفقیت های چشم گیری دست یابد و بلکه در رشد خویش و جامعه بهره گیرد. قرآن کریم از سه نوع مهارت شناختی، رفتاری و معنوی (که در مقاله مورد بررسی قرار گرفته است) در موفقیت تحصیلی بهره گرفته است که آدمی برای موفقیت تحصیلی ناگزیر از بهره گیری مهارت های مذکور می باشد.

کلیدواژه ها: قرآن، علم، عالم، موفقیت تحصیلی، مهارت شناختی، مهارت رفتاری و مهارت معنوی.

مقدمه

یکی از دستورات مؤکد اسلام، تعلیم و تعلم است. به خاطر اهمیت دانش آموزی و جایگاه آن خداوند یکی از فلسفه های بعثت پیامبر اسلام را تعلیم کتاب و حکمت ذکر نموده است تا آدمی در پرتو دانش و علم به حقایق اطلاع یافته و مسیر حق را بشناسد. فرمود: X وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ B (جمعه: ۲)

معصومین هم حقیقت علم را تبیین نمودند تا از این طریق همه به دانش آموزی روی آورند.

علی (ع) می فرماید: «لَا تَنْزُ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ.» [هیچ گنجی، سودمندتر از دانش نیست.] (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴:

۳۹۶) هم چنین فرمود: «لَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ.» [هیچ شرافتی، چون دانش نیست.] (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۱۳)

یکی از رازهای دعوت اسلام به دانش آموزی به خاطر آن است که علم نور است و جهل ظلمت و تاریکی است. خاصیت نور آن است که هم خودش روشنایی دارد و هم به دیگران روشنایی می دهد. در مسیر زندگی، آدمی رهنمایی وجود دارند که او را به بیراهه و تاریکی سوق می دهند و از مسیر فطری منحرف می کند علم به خاطر خاصیت نوردهی این توان را دارد که راه را از چاه مشخص نموده تا انسان به چاه نیفتد. در این مقاله بعد از بیان مفهوم مهارت ارزش علم و جایگاه عالمان به این سؤال اساسی پاسخ می دهیم که قرآن کریم چه مهارت هایی را بر پیشرفت تحصیلی (علمی) ارائه داده است که طالبان علم و دانش در پرتو آن مهارت ها در مسیر دانش و علم به درجات عالی نائل آیند تا روشنگر راه خویش و جامعه باشند.

مفهوم مهارت

واژه مهارت کاربرد فراوانی در کارهای روزمره و نیز در علوم و فنون دارد. مثل مهارت رانندگی، مهارت انجام دادن معامله و خرید و فروش، مهارت حاضر جوابی و مهارت هایی که روان شناسان بر آنها تاکید دارند، همچون مهارت دوست یابی، مهارت همسر داری، و مهارت تعلیم و تربیت کودک.

واژه مهارت در قرآن به کار نرفته، ولی در لغت نامه فارسی به معنای زیرکی و رسایی در کار، استادی و زبر دستی آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۶۱، ماده میم) در فرهنگ عمید، ماهر بودن در کاری، استادی، زیرکی، چابکی و زبردستی در کار معنا شده است. (عمید، ۱۳۸۰: ۱۱۸)

گویا مهارت موفقیت تحصیلی در اصطلاح عبارت است از کسب آگاهی ها و توانایی هایی که در پرتو شناخت صحیح و رفتار عالی و معنویت بدست می آید و به آدمی قدرت می دهد استفاده بهینه از فرصت تحصیلی نموده و در تحصیل علم به موفقیت قابل توجهی دست یافته و از علم و دانش در جهت خودسازی خویش و جامعه بهره گیرد.

ارزش علم و دانش

از نظر اسلام، علم دارای ارزش فوق العاده است. علاوه بر درک وجدان، مراجعه به آیات و روایات این حقیقت را بر آدمی آشکار می سازد. شاهد قرآنی بر ارزش و جایگاه علم نخستین آیات نازل بر پیامبر اسلام (ص) است که خداوند آغاز وحی را همراه به حرکت علمی نموده است و در آن آیات سخن از قلم و تعلیم به میان آورده است. فرمود: X اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ B (علق: ۱-۴) و هم چنین در سوره قلم به ابزار تعلیم سوگند یاد نموده و فرمود: X وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ B (قلم: ۱)

در روایات بسیاری هم ارزش علم به وضوح دیده می شود که دو نمونه آن ذکر می شود.

پیامبر اسلام فرمود: «اطلبوا العلم و لو بالصَّيْنِ، فانَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۳۹۸) ظاهراً علت این که نام چین برده شده این است که در آن روز از چین به عنوان دورترین نقاط جهان که مردم آن روز می توانسته به آن جا بروند نام برده می شد و یا علت این است که در آن زمان چین به عنوان مهد علمی و صنعتی معروف بوده است. این حدیث می گوید تحصیل علم، جا و مکان معینی ندارد، همان طور که وقت و زمان معینی هم ندارد. (مطهری، ۱۳۸۱: ده گفتار، ۱۰) علی (ع) در ارزش علم فرمود: رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ. [اساس فضیلتها، دانش است.] (آمدی، ۱۳۸۷: ۴۲۷) بنابراین پایه اسلام از همان آغاز بر علم و قلم گذارده شده، و بی جهت نیست که قومی چنان عقب مانده به قدری در علوم و دانش ها پیش رفتند که علم و دانش را به اعتراف دوست و دشمن به همه جهان صادر کردند و به اعتراف مورخان معروف اروپا این نور علم و دانش مسلمین بود که بر صفحه اروپای تاریک قرون وسطی تابید و آن ها را وارد عصر تمدن ساخت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۴۰/۲۷)

مقام عالم

در اسلام عالمان دینی دارای جایگاه ویژه و منزلت عالی هستند، چه آن که یکی از ملاک‌های برتری انسان‌ها بر یکدیگر دارا بودن علم و دانش است. از شواهد قرآنی بر ارزش و جایگاه عالمان این است که خداوند دانشمندان را در ردیف فرشتگان قرار داده و فرمود: **X** شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ **B** (آل عمران: ۱۸) در این آیه، دانشمندان واقعی در ردیف فرشتگان قرار گرفته‌اند و این خود امتیاز دانشمندان را بر دیگران اعلام می‌کند و نیز از آیه استفاده می‌شود که امتیاز دانشمندان از این نظر است که در پرتو علم خود، به حقایق اطلاع یافته و به یگانگی خدا که بزرگترین حقیقت است معترفند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۳۴۸/۲)

مهارت‌های شناختی

با مراجعه به آیات کریمه به سه نوع مهارت‌ها (شناختی، رفتاری و معنوی) در پیشرفت تحصیلی روبرو می‌شویم. ۱. علم ملاک برتری انسان‌هاست. یکی از مهارت‌های شناختی ارائه شده در قرآن بر موفقیت تحصیلی، توجه دهی بشر به این واقعیت است که علم و دانش معیار برتری آدمی بر یکدیگر است. بعضی‌ها می‌پندارند که سرمایه مادی از قبیل زمین، مسکن، ماشین، پست و مقام سبب برتری آن‌ها بر دیگران است و به خاطر همین پندار خود را برتر از دیگران می‌دانند. ولی با مراجعه به آیات کریمه درمی‌یابیم که قرآن کریم خط بطلان بر این پندارها کشیده و ملاک برتری انسان را در دارا بودن ویژگی‌های خاص خلاصه نموده است، که عبارت است از:

الف. ایمان: **X** يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا **B** [خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و... درجات عظیمی می‌بخشد]. (مجادله: ۱۱) و هم‌چنین فرمود: **X** أَقَمْنَا كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ **B** (سجده: ۱۸)

ب. جهاد: **X** لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً **B** (نساء: ۹۵)

ج. سبقت در عمل به ارزش‌ها: **X** لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا **B** (حدید: ۱۰)

د. تقوا: **X** إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ **B** [گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست]. (حجرات: ۱۳)

و. علم: **X** يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ **B** (مجادله: ۱۱)

آدمی براساس فطرت کمال خواهی که خداوند در نهادش به ودیعت گذاشته است میل به سوی کمال دارد. از این روی تمام تلاش خویش را به رسیدن آن کمال به کار می‌گیرد. مطابق لسان قرآن یکی از ره‌های رسیدن به کمال، کسب علم و دانش است که در پرتو نورافشانی آن بتواند مسیر تکاملی را طی کند. خداوند به خاطر آن که بشر به سمت علم و دانش روی آورد توجه بشر را به ملاک برتری بودن علم در ارزش و منزلت انسان معطوف داشته است. آری انسان اگر باور داشته باشد که علم از ملاکات برتری است به سمت دانش روی می‌آورد از این جهت گفته می‌شود از مهارت‌های شناختی قرآن بر پیشرفت تحصیلی و کسب دانش توجه بشر به این واقعیت است که علم واقعی ملاک برتری انسان‌هاست.

۲. علم با جهل مساوی نیست. قرآن کریم برای تشویق و ترغیب انسان‌ها در کسب علم و موفقیت آنان، آدمی را توجه به این حقیقت وجدانی داده است که علم با جهل برابر نیست، چه آن که همه انسان‌ها فطرتاً باور دارند دانش با جهل برابر نیست، همان‌گونه که اعتراف دارند سیاهی با سفیدی، نور با ظلمت، تندرستی با مریضی مساوی نیستند. فرمود: X قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ B (زمر: ۹)

امام صادق (ع) فرمود: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ لَطَبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ» [اگر مردم می‌دانستند که علم چه فوایدی دارد، هر آینه در جستجوی آن برمی‌آمدند، گرچه در راه آن خون بریزند و در ژرفای دریاها فرو روند.] (ری شهری، ۱۳۸۴: ۳۹۸)

آدمی اگر عقل و خرد خویش را بکار بیندازد و تن به ندای وجدان خویش که قائل به عدم تساوی علم به جهل است بدهد، از هر تلاشی در کسب دانش و علم فروگذار نخواهد نمود. قرآن کریم بر اساس درک وجدان آدمی از این مهارت شناختی استفاده نموده تا آدمی در مسیر کسب دانش قدم بردارد.

۳. علم و دانش زمینه ساز خشیت از خداست. این که همه ما انسان‌ها به خاطر مهلک بودن سم از خوردن آن خودداری می‌کنیم و از دست زدن به سیم لخت برق خودداری می‌نمائیم به خاطر اطلاع از مهلک بودن سم و سیم لخت برق است. در امور معنوی هم نقش دانش غیرقابل انکار است. این که انسان‌های شایسته نزدیک به گناه نمی‌شوند و حتی در صورت فراهم بودن زمینه‌های گناه، تمام تلاش خویش را از کناره‌گیری به آن به کار می‌گیرند به خاطر شناخت ماهیت واقعی گناه است. چه آن که گناه در نزد انسان‌های شایسته بدتر از سم مهلک است چرا که سم حیات مادی انسان را خاتمه می‌دهد ولی گناه حیات روحی آدمی را از بین می‌برد. به این ترتیب از عوامل کارساز فاصله گرفتن از زشتی‌ها، علم و دانش است. خداوند در وصف دانشمندان می‌فرماید: X إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ B (فاطر: ۲۸) از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند. خشیت بیمی است که با عظمت و بزرگداشت چیزی همراه است و بیشتر این حالت از راه علم و آگاهی نسبت به چیزی که از آن خشیت و بیم هست حاصل می‌شود لذا دانشمندان، مخصوص چنان حالتی هستند. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴۰۴/۱) از این روی گفته شده، این حالت خشیت، موارد سیر در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پروردگار، و هدف آفرینش است.

مهارت‌های رفتاری

۱. تلاش و کوشش: صفحات گیتی و نظام جهان آفرینش گواه روشنی است که کامیابی هر موجودی وابسته به فعالیت و کوشش اوست. تا صدها فعل و انفعال شیمیایی در یک نهال به وجود نیاید، هرگز یک درخت برومند نخواهد شد. هر موجود ذی روحی از روی غریزه و یا فطرت به این حقیقت رسیده که بقاء ناموس حیات در گرو کار و کوشش است. به تعبیر دیگر: کار جریان پویای زندگی، سرمایه سعادت و نیک بختی، عامل تغییر طبیعت و توسعه منابع آن برای تامین نیازهای آدمی است. کار مهمترین راه نشان دادن برتری آدمی است. (جمالی: ۶۴) زندگی مردان موفق در علم شهادت می‌دهد که همگی مرد کار و زحمت بودند. به قول یکی از دانشمندان: آن چه شده‌ام نتیجه کار است. من در سراسر عمرم

لقمه‌ای بدون کار و زحمت نخورده‌ام. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۱۸) آیات گوناگونی آدمی را به این اصل اساسی گوشزد می‌کند که حداقل دو بیانش عبارت است از: X كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ B [هرکس (در گرو) اعمال خویش است.] (مدثر: ۳۸) X وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى B [و این که برای انسان بهره‌ای جز تلاش و کوشش نیست.] (نجم: ۳۹) علاوه بر عقل و ارشاد و حیانی بر لزوم تلاش و کوشش در موفقیت‌ها، تاریخ زندگانی دانشمندان این حقیقت را بر ما آشکار می‌کنند که دو نمونه ذکر می‌شود. ۱. نیوتن می‌گوید: اگر من به جایی رسیده‌ام بر اثر کار و کوشش است. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۱۸) ۲. ادیسون می‌گوید: هیچ یک از اختراعات من محصول تصادف نیست. وقتی که معتقد شدم فلان کار نتیجه بخش است خودم را به آن کار می‌بندم و تجربه روی تجربه می‌کنم تا کامیاب شوم. (همان: ۲۲)

۲. تفکر و اندیشیدن: فکر نیرویی است پویا و پیاپی که آدمی را از علم به معلوم می‌رساند و به آن‌ها می‌پردازد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۸۴/۳) تفکر، کوشش و جَوَلان آن نیرو به اقتضای عقل و خرد است و این نیرو ویژه انسان است و در حیوان نیست. (همان: ۸۴/۳) باتوجه به متون دینی یکی از مهارت‌های رفتاری بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی (علمی) تفکر و اندیشیدن است. خداوند برای رهنمون شدن بشر به واقعیات و حقیقت هستی، از طرفی آدمی را به تفکر و اندیشیدن دعوت نموده تا از این طریق حقایق هستی بر او آشکار گردد و از طرف دیگر کسانی را که با دارا بودن عقل و نیروی فکر، اندیشه نمی‌کنند مورد مذمت قرار داده و بلکه آن‌ها را بدترین جنیده معرفی نموده است و فرمود: X إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ B (انفال: ۲۲) از این روی از اهداف نقل قصص (داستان‌ها) و ذکر امثال و تبیین آیات از طریق پیامبر و نزول قرآن به زبان عربی را برای تفکر و اندیشه نمودن آدمی بیان نمود. تا در پرتو آن به حقایق دست یابند. فرمود: X فَأَقْصِصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ B (اعراف: ۱۷۶) این داستان‌ها را (برای آن‌ها) بازگو کن، شاید بیندیشند. X وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ B (حشر: ۲۱) و آیات ۲۱: حشر-یوسف: ۲-نحل: ۴۴ از این آیات مذکور و آیات دیگری که در آن سخن از تفکر و دعوت مردم به آن شده است شرط که تفکر راه رهایی از ظلمت و رهنمون شدن به معارف و حقایق است چه آن که رسیدن به دانش شرط لازمش تعقل و تدبر است. قرآن کریم شرط رسیدن به موفقیت علمی و شناخت را تدبیر معرفی نموده است: X أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا B (نساء: ۸۲) مفهوم آیه این است که راه رسیدن به الهی بودن متن کتاب آسمانی تدبر است. علی (ع) به این واقعیت تصریح نموده است: «بالعقول تنال ذروة العلوم» [با خردمندی به اوج دانش‌ها می‌توان رسید.] (آمدی، ۱۳۸۷: ۳۴۷) و فرمود: «علیک بالفکر فإنه رشدٌ من الضلال» [اندیشه را دریاب که راه راست را از گمراهی نشان دهد.] (همان: ۵۰۳) طالب علم بر پیشرفت تحصیلی (علمی) ناگزیر به بهره‌گیری از تفکر و اندیشیدن است چرا که با تفکر درهای دانش به سوی او باز می‌شود و آگاهی‌های جدید برای او حاصل می‌شود. علی (ع) فرمود: «و من تفکر أبصر» [و آن کسی که بیندیشد آگاهی یابد.] (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۳۱) انسان از طریق تفکر برای حل مشکلات خود، راه‌های جدیدی یاد می‌گیرد و روابط میان اشیاء و رویدادها را کشف و نیز اصول و نظریه‌های جدیدی را استنباط می‌کند و به نوآوری‌ها و

ابداع‌های تازه‌ای راهنمایی می‌شود، به همین دلیل روان‌شناسان جدید این نوع یادگیری را فرایند عالی یادگیری می‌نامند. (نجاتی، ۱۳۸۶: ۲۵۷)

۳. توجه: مسأله توجه، در یادگیری عامل مهمی محسوب می‌شود. مثلاً اگر انسان به یک سخنرانی توجه نکند، نمی‌تواند آن اطلاعات لازم را درک کند، در نتیجه قادر به یادگیری نیست و نمی‌تواند آن مطالب را در آینده به یاد آورد. به همین دلیل معلمان و مربیان، همواره اصرار دارند که در شاگردان خود حالت توجه به وجود بیاورند تا آن‌ها بتوانند درسی را کاملاً جذب و یاد بگیرند. (همان: ۲۵۵) قرآن اهمیت توجه و التفات را در جذب و ادراکات اطلاعات و معلومات یادآوری کرد. چنین می‌فرماید: X *إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ* (ق: ۳۷)

قرآن هم‌چنین در سوره مزمل، آن‌جا که متذکر می‌شود که بلند شدن از خواب در نیمه شب باعث توجه بیشتر انسان به معانی قرآن و درک بهتر آن می‌شود، در واقع می‌خواهد به اهمیت مسأله "توجه" اشاره کند. این موضوع شاید از یک سو به استراحت ذهن در هنگام خواب و آرامش آن پس از خواب برگردد و از سوی دیگر مربوط به آن آرامشی باشد که هنگام شب همه‌جا را فرا می‌گیرد و ذهن انسان به امور روزمره زندگی که معمولاً در طول روز خاطرش را مشغول می‌دارند نمی‌پردازد. قرآن در این باره می‌فرماید: X *إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً* B (مزمل: ۶) در مسأله ادراک و یادگیری نیز قرآن به اهمیت "توجه" چنین اشاره می‌کند. X *وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ* B (اعراف: ۲۰۴) گوش فرا دادن به قرآن و سکوت به هنگام قرائت آیات، در واقع به معنای توجه به آیات آن است که خوانده می‌شود تا برای درک معنای آن‌ها تدبّر و تفکر شود و عقاید و تعلیمات و اوامر و نواهی و عبرت‌ها و حکمت‌هایی که در آن‌ها وجود دارد، آموخته شوند. (نجاتی، ۱۳۸۶: ۲۵۴)

۴. پرسش: در متون اسلامی سؤال علمی و طلب علم بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال در قرآن کریم به طالبان علم در صورت ندانستن توصیه به سوال شده است. خداوند می‌فرماید: X *فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ* B (نحل: ۴۳) در قرآن علاوه بر موارد فراوانی که به طور ضمنی از روش پرسش و پاسخ استفاده شده، در پانزده مورد نیز به طور صریح از روش پرسش و پاسخ استفاده گردیده است و در بیشتر این موارد عبارت "یسألونک" حاکی از پرسش دیگران از پیامبر اکرم (ص) و کلمه "قل" بیانگر پاسخ آن پرسش‌هاست. (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۴۴) مانند: X *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ* B (بقره: ۱۸۹) راز تأکید بر سؤال علمی به خاطر آن است که با سؤال کردن فکر و اندیشه انسان پویا شده و هم‌چنین بر دانش شخص سؤال‌کننده افزوده می‌شود. بنابراین بر موفقیت تحصیلی و کسب دانش ضرورت به سؤال امری آشکار و واضح است. پیامبر اسلام فرمود: «العلم خزائنٌ و مفتاحها السؤال» [گوهر دانش و بینش گنجینه‌هاست و کلید آن پرسش است]. (آمدی: ۱۳۸۷: ۳۸۵)

۵. نظم: نظم به معنای ترتیب، آراستگی، سامان و بی‌بستگی است. این واژه در لغت به معنای آرامش، ترتیب دادن، به رشته کشیدن مروارید آمده است. (عمید، ۱۳۸۰: ۱۲۱۳) همگی به وضوح درک می‌کنند که از اصلی‌ترین نیاز آدمی در زندگی بر پیشرفت کارها و موفقیت، نظم و برنامه است. چه آن‌که بی‌نظمی و هرج و مرج آدمی را از مطلوب مورد نظر

بازداشته و دچار یک نوع سردرگمی می‌نماید. این که می‌بینیم نظام هستی بر حرکت ممتد و استوار می‌چرخد، به خاطر وجود نظامی است که تحت حاکمیت خداوند قرار دارد. توجه به آیه زیر حقیقت نظام در نظام هستی را آشکار می‌کند. X *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ* B (بقره: ۱۶۴)

و همچنین در آیه دیگر فرمود: X *وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ* B (الرحمن: ۸)

این دو آیه علاوه بر وجود نظم در نظام هستی، بشر را به آراسته شدن نظم در حیات مادی دنیایی توصیه می‌کند. چه آن که قرآن به اهمیت حفظ نظم و عدم اخلال در مسائل و نیازهای جامعه توجه داده و در قالب‌های مختلف به آن اشاره کرده است. برای نمونه در سوره توبه آیه ۱۲۲ از روی آوردن همه مردم به یک وظیفه چون جهاد و واگذاری دیگر امور و وظیفه‌ها چون کسب دانش دین منع نموده است. (جلایان اکبر نیا، ۱۳۸۷: ۱۰) فرمود: X *وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ* B (توبه: ۱۲۲) همان‌گونه که وجود نظم در نظام هستی یک امر بدیهی و آشکار است، سهم نظم در زندگی آدمی بر موفقیت و پیشبرد اهداف، خصوصا موفقیت تحصیلی یک امر آشکار و واضح است، چه آن که با نظم مشخص، امور سامان می‌یابد. اگر یک دانشجو و طالب علم در تحصیل و موفقیت علمی از برنامه‌ای منظم برخوردار نباشد کارهای غیرضروری و گاه بی‌فایده، وقت او را پر کرده و او را از مسیر تحصیل باز می‌دارد. به عنوان نمونه مهم‌ترین نیاز طالب علم و تحصیل برنامه‌ریزی دقیق و منظم در امر مطالعه است. با مطالعه صحیح و منظم پیشرفت تحصیلی حاصل می‌شود.

۶. عزم جدی (همت عالی): عزم در لغت: عزم در لغت فارسی به معنای آهنگ کردن، دل نهادن بر امری، اراده و قصد آمده است. کما این که لغت همت هم در فرهنگ لغت فارسی به معنای عزم و اراده است. (عمید، ۱۳۸۰: ۹۱۰ و ۱۲۴۴) در لغت نامه قرآنی واژه عزم به معنای، تصمیم و پیمان قلبی بر انجام و گذراندن آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۹/۲) از مقدمات انجام هر کاری که آدمی به آن دست می‌زند تصمیم و عزم جدی بر تحقق یافتن آن عمل است. از آنجایی که عزم جدی و همت عالی شرط تحقق انجام هر کاری می‌باشد خداوند به پیامبر آموزش می‌دهد که پس از تصمیم و عزم بر خدا توکل نما و کارت را انجام بده. X *وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ* B (آل عمران: ۱۵۹) براساس آیه فوق، عزم و تصمیم شرط لازم تحقق عمل است و کمترین برداشت از آیه این است که از شرایط لازم موفقیت تحصیلی، عزم جدی و تصمیم قاطع است. اگر دانشجو و طالب علم همت عالی در علم آموزی نداشته باشد نمی‌تواند به مطالب مورد نظر خویش برسد چه آن که کوتاهی همت، آدمی را از جستجوی مراتب عالی علم بازمی‌دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ثَلَاثٌ يَعْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنْ طَلَبِ الْمَعَالِي، قَصْرُ الْهِمَّةِ وَقِلَّةُ الْحِيلَةِ وَضَعْفُ الرَّأْيِ» [سه چیز است که مرد را از جستجوی مراتب عالی بازمی‌دارد. کوتاهی همت، کم‌چاره‌جویی و سستی رأی]. (حرانی، ۱۳۸۶: ۵۷۰)

قرآن کریم بر تشویق و ترغیب همگان به آراسته شدن وصف عالی همت، همسر فرعون را مثل زده و فرموده است: X وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ الْفَوْمِ الظَّالِمِينَ B (تحریم: ۱۱) آسیه با داشتن همت عالی تقاضای خانه‌ای در بهشت در نزد خدا و رهایی از ظلم فرعون و ستمگران دارد. از مفهوم این آیه بدست می‌آید که یکی از مهارت‌های لازم در پیشرفت تحصیلی (کسب دانش) عزم جدی و همت عالی است. این که مردانی و زنانی توانسته‌اند به مقامات علمی برسند به تجربه ثابت شده است به خاطر دارا بودن همت بلند و عالی بوده است. پیامبر اسلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا» [خداوند متعال کارهای والا و شریف را دوست دارد و کارهای پست و حقیر را خوش ندارد]. (ری شهری، ۱۳۸۴: ۵۸۴)

۷. استفاده بهینه از فرصت: یکی دیگر از مهارت‌های ارائه شده در قرآن بر موفقیت تحصیلی، استفاده صحیح از فرصت و زمان است. در قرآن کریم بر اهمیت زمان، به زمان قسم خورده است. X وَالْعَصْرِ B (عصر: ۱)

در بیانات معصومین هم بر لزوم بهره‌گیری از فرصت پیش آمده در انجام هر عمل نیک توصیه شده است که راز ضرورت استفاده درست از آن بدان خاطر است که فرصت نعمتی است که به تدریج می‌گذرد و پشیمانی بر فرصت از دست رفته فایده‌ای ندارد. پیامبر اسلام فرمود: «أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعْمِ اللَّهِ وَلا تَنْفِرُوهَا فَفَقَلَّهَا زَالَتْ عَنْ قَوْمٍ فَعَادَتْ إِلَيْهِمْ» [نعمت‌های خدا را نیکو همسایگی کنید و آن‌ها را فراری ندهید، چرا که بسیار کم است که نعمت از دست مردمی برود و به سوی آنان بازگردد]. (آمدی، ۱۳۸۷: ۴۱) علی (ع) فرمود: «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ» (دشتی، ۱۳۷۹: حکمت، ۲۱) و فرمود: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُضَّةٌ» [از دست دادن فرصت، اندوهبار است]. (همان، حکمت، ۱۱۸) بهترین فرصت برای کارکردن، دانش آموختن و ثروت اندوختن، جوانی است و بلندترین نقطه زندگی، دوران جوانی است. عشق و امید و نشاط جوان و نیروهای فعاله و خلاقه او سرشار است، ولی پس از مدتی، قدرت‌های معنوی و مادی وی رو به کاهش می‌گذارد و اعصاب، قدرت و استحکام خود را از دست می‌دهد، چشم کم نور می‌شود و نیروهای خلاقه ناتوان می‌گردد. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۹۰) قرآن کریم در آیه‌ای مراحل عمر آدمی را به سه مرحله طفولیت، جوانی و پیری تقسیم نموده است و فرموده است: X اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً... B (روم: ۵۴) مراد به قوت بعد از ضعف، رسیدن طفل به حد بلوغ و مراد به ضعف بعد از قوت، دوران پیری است. (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۳۲۳/۱۶) در این آیه مبارکه دوران قدرت که دو طرف آن دوره ضعف، یعنی ضعف کودکی و ضعف پیری قرار دارد همان دوره جوانی است. همان طور که فصل بهار دوره شکوفایی و بالندگی است فصل جوانی نیز دوره قدرت و نشاط و شکوفایی و بالندگی است. (نوری همدانی، ۱۳۸۴: ۲۷) این که گفته می‌شود بهترین فرصت برای موفقیت تحصیلی دوره جوانی است به خاطر آن است که اولاً: به همگان به تجربه ثابت شده است که میزان یادگیری دوره جوانی با دوره پیری تفاوت دارد. قدرت یادگیری در جوانی بیشتر از دوران پیری می‌باشد که این که در دوره طفولیت اسباب یادگیری کامل نیست و درک مطالب به صورت وسیع وجود ندارد. قرآن کریم به ضعف دوران پیری تصریح فرموده است: X وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ B (یس: ۶۸) "ننکسه" از ماده (تنکیس) به معنی واژگون ساختن چیزی است که به گونه‌ای که سر به جای پا و پا به

جای سر قرار گیرد و در این جا کنایه از بازگشت کامل انسان به حالت طفولیت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۱۸، ۴۳۶) در سوره حج نیز به همین معنی اشاره می‌کند: **X** وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا **B** (حج: ۵) و ثانیاً ماندگاری مطالب در حافظه در دوره جوانی به مراتب بیشتر از دوره پیری است. پیامبر اسلام فرمود: «من تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجْرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَىٰ وَجْهِ الْمَاءِ» [هرکه در جوانی دانش آموزد علم او همچون نقشی است که بر سنگ حک شود و هر که در بزرگسالی بیاموزد، کارش همچون نوشتن بر روی آب است.] (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ش: ۲۸۸)

مهارت‌های معنوی

۱. صبر و استقامت: یکی از مهارت‌های معنوی ارائه شده در قرآن بر موفقیت تحصیلی (علمی) صبر و استقامت است. صبر نیرویی است که به آدمی توان می‌دهد در برابر سختی‌ها و مشکلات، خصوصاً سختی‌های موجود مسیر تحصیلی، مقاومت نموده تا از طی مسیر مطلوب خویش باز نماند، چه آن که این اصل مسلم (صبر) پذیرفته شده نزد عقلاء و ارشاد و حیانی است که از شرایط لازم رسیدن به هر پیروزی و موفقیت، صبر و استقامت است. براساس همین اصل عقلایی خداوند پیامبرش را به استعانت از این نیروی معنوی در برابر تهمت‌ها، شکنجه‌ها و رسیدن به هدف مورد نظرش (دعوت مردم به این حق و گسترش آن) توصیه نموده و فرموده است: **X** فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ **B** (احقاف: ۳۵) در این آیه برای دلداری پیامبر و ترغیب او بعد از امر به صبر به نیاز و استعانت پیامبران اولوالعزم در انجام رسالت تصریح نموده است تا از این رهگذر به ضرورت صبر در زندگی بشر اشاره نماید. و همچنین فرمود: **X** إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا **B** (غافر: ۷۷) به نظر می‌رسد ذکر این آیات (دعوت صبر به پیامبر) علاوه بر دلداری و منوط بودن موفقیت پیامبر اسلام در گرو صبر، تنبیهی و آموزشی به همه مسلمانان باشد که رسیدن به خواسته‌های زندگی، که یکی از آن خواسته‌ها، موفقیت تحصیلی باشد در پرتو استقامت مسیر می‌باشد، چه آن که بدون صبر و شکیبایی و تحمل مشکلات و سختی، کسی روی پیشرفت را نخواهد دید. رسیدن به آسانی و موفقیت در گرو تحمل سختی است فرمود: **X** إِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا **B** (انشراح: ۶) قرآن به خاطر کارکرد و نقش صبر در زندگی آدمی هم به صورت کلی دعوت به صبر نموده است: **X** وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ **B** (بقره: ۴۵) و هم در ضمن ذکر داستان حضر موسی (ع) و حضرت خضر (ع)، نیاز دانشجوی و متعلم به صبر در مسیر تحصیل و تعلیم را به بهترین شکل ترسیم نموده و فرموده است: **X** فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَبِعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا **B** (کهف: ۴۳-۴۵) از همین جا رابطه صبر با موفقیت تحصیلی روشن می‌شود، چرا که در رسیدن به هر مطلوبی گاه موانعی سد راه آدمی می‌شود که در صورت عدم مقابله با آن موانع شخص از هدف خویش بازمی‌ماند در مسیر تحصیل و تعلیم هم گاه موانعی از قبیل مشکلات اقتصادی، خانوادگی و بی‌حوصلگی و... سد راه دانشجو می‌شود. روشن است در صورتی دانشجو می‌تواند با این مشکلات دست و پنجه نرم کند که صابر و شکیبا باشد تا در پرتو صبر و استقامت به درجات عالی علم و دانش برسد امام

علی (ع) در بیانی رسا این واقعیت را این گونه ترسیم نموده است. «بِالصَّبْرِ تُدْرِكُ مَعَالِيَ الْأُمُورِ» [با صبر می توان کارهای بزرگ را دریافت نمود]. (آمدی، ۱۳۸۷: ۳۴۷) رسول الله (ص): «إِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَالْفَرَجَ مَعَ الْكُرْبِ وَ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» [پیامبر خدا فرمود: همانا پیروزی با صبر همراه است و گشایش با گرفتاری. راستی که با هر دشواری آسانی است]. (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۳۱۲)

۲. تقوا: یکی دیگر از مهارت‌های معنوی ارائه شده در قرآن بر موفقیت تحصیلی تقوا و حفظ از ارتکاب حرام است. هر که طالب علم است به واسطه انجام واجب و دوری از حرام و تسلط بر خواهش‌های نفسانی این شایستگی در او بوجود می‌آید که خداوند حقایق را به او تعلیم دهد. قرآن کریم تصریح فرمود: X وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ B (بقره: ۲۸۲) این آیه به این نکته تأکید دارد که تقوا تأثیر شایسته‌ای در افاضه علم و آگاهی از جانب خداوند به انسان دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۳۶۴) و آیه ۲۹، انفال دلالت بر این مطلب دارد.

در روایت هم به این خاصیت و تأثیر تقوا تصریح شده است. پیامبر اسلام می‌فرماید: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» [هرکس چهل روز خود را برای خداوند خالص قرار دهد چشمه‌های حکمت از دلش بر زبانش جاری می‌شود]. (مجلسی، بی تا: ۲۴/۶۸)

۳. دعا: واژه دعا با مشتقاتش در قرآن حدود (۲۱۵) بار ذکر شده است. دعا در لغت مثل ندا، یعنی کسی را بانگ زدن و خواندن آمده، جز این که نداء را در بانگ زدن بدون اضافه کردن اسم آن شخص بکار می‌برند. مثل: آیا، ولی دعا بانگ زدن و خواندنی است که پیوسته با اسم طرف، همراه است مثل: یا فلان. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۶۷۷/۱) خداوند سبحان ابزار و طرق متعددی را برای بشر در رسیدن به خواسته‌هایش قرار داده است که البته از طرق معنوی آن، دعا است. به خاطر اهمیت این نیروی معنوی در آیاتی بشر را به تمسک آن نیرو دعوت نموده است. فرموده است: X وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ B (مؤمن: ۶۰) پرواضح است خواستن از خدا منحصر به امور مادی نیست بلکه از اساسی‌ترین نیاز آدمی برای یک زندگی سالم و بانشاط، علم و آگاهی است. بشر برای رهایی از ظلمت و جهل ناگزیر است که از صاحب علم لایتنهایی بخواهد با فراهم آوردن زمینه آگاهی و افاضه دانش او را از تاریکی‌های جهل بیرون آورد. چه آن که علم نوری است که به هر که بخواهد عطا می‌کند. به خاطر نقش دعا در موفقیت و پیشرفت علمی خداوند به پیامبر اسلام آموزش می‌دهد که از ذات اقدس حق بخواهد علم او را افزایش دهد، چرا که علم حقیقی و واقعی از آن اوست. X وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا B (طه: ۱۱۴) روشن‌ترین برداشت این آیه این است که هر طالب علمی ناگزیر به استمداد از ذات حق در پیشرفت تحصیلی می‌باشد. چه آن که مطابق روایتی از امام صادق (ع) دعا کلید گایش رحمت الهی است. فاكثر من الدعاء فانه مفتاح كل رحمة و نجاح كل حاجة (کلینی، بی تا: ج ۴، ۳۱۶) بسیار دعا کن که کلید هر رحمت و پیروزی در هر حاجت است.

نتیجه

۱. از اساسی‌ترین نیاز آدمی، علم و دانش است که علاوه بر وجود آیات و روایات فراوان، وجدان آدمی نیاز مبرم آن را درک می‌کند.

۲. هرکس براساس ذوق و حوصله خود، مطالعه می‌کند و بر اساس نیازبه شناخت، در پی علم و دانش می‌رود، ولی باید دانست موفقیت در مسیر تحصیلی نیازمند توجه نمودن راهکارهایی است که در متون دینی آمده است، چه آن که عدم توجه به آن راهکارها آدمی را از مطلوبش که همان پیشرفت تحصیلی باشد، باز می‌دارد، بویژه آن که گرفتار رهنمان درون و برون شده و از خویش بهره‌ای نمی‌گیرد.

۳. از نظر قرآن طالب علم برای پیشرفت تحصیلی ناگزیر به بهره‌گیری از مهارت‌های سه‌گانه شناختی (۱). علم ملاک برتری انسان‌هاست ۲. علم با جهل مساوی نیست ۳. علم و دانش زمینه‌ساز خشیت از خدا است (رفتاری (۱). کار و تلاش، ۲. تفکر و اندیشیدن، ۳. توجه، ۴. پرسش، ۵. نظم، ۶. همت عالی و ۷. استفاده بهینه از فرصت) و معنوی (۱). صبر، ۲. استقامت، ۳. تقوا و ۴. دعا می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم. (ترجمه ناصر مکارم شیرازی)

نهج البلاغه.

آمدی، علی. (۱۳۸۷ش). غررالحکم. محمد علی انصاری. غررالحکم. چاپ ششم. قم: انتشاراتی امام عصر(ع)
اصفهانی، راغب. (۱۳۸۳ش). مفردات الفاظ قرآن کریم. ترجمه سید غلامرضا حسینی خسروی. چاپ سوم. تهران:
انتشارات مرتضوی.

بی‌جا: انتشارات مهدی موعود (عج).

جلایان اکبرنیا، علی. (۱۳۸۷ش). مهارت نظم و انضباط فردی و اجتماعی. چاپ دوم. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم
اسلامی رضوی.

جمالی زاده، حسین. (۱۳۸۹). «جایگاه کار در زندگی انسان.» فصلنامه دین پژوهی و کتاب شناسی قرآنی. شماره اول.
صص ۷۴-۵۵.

حرّانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین. (۱۳۸۶ش). تحف العقول. ترجمه صادق حسن زاده. چاپ هفتم. قم: انتشارات
آل علی.

دشتی، محمد. (۱۳۷۹ش). نهج البلاغه. چاپ ششم. قم: انتشارات مشرقین.

دهخدا، علی اکبر. (بی‌تا). لغت نامه دهخدا. تهران: چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

سبحانی، جعفر. (۱۳۷۲ش). رمز پیروزی مردان بزرگ. چاپ پانزدهم. قم: انتشارات نسل جوان.

طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. بی جا: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.

عمید، حسن. (۱۳۸۰ش). فرهنگ فارسی عمید. چاپ بیستم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

کریمی فریدی، علی. (۱۳۸۵ش). نهج الفصاحه. چاپ سوم. قم: انتشارات حلم.

کلینی رازی، محمدبن یعقوب. (بی تا). ترجمه سیدجواد مصطفوی. اصول کافی. بی جا: انتشارات چهارده معصوم.

مجلسی، محمد باقر. بی تا. بحارالانوار. بی جا: مکتب الاعلام الاسلامیه.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴ش). منتخب میزان الحکمه. حمیدرضا شیخی. چاپ سوم. قم: سازمان چاپ و نشر

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۶ش). ره توشه. چاپ سوم. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱ش). ده گفتار. چاپ هیجدهم. تهران: انتشارات ملا صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). آشنایی با قرآن. چاپ اول. تهران: انتشارات ملا صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۲ش). تفسیر نمونه. چاپ دهم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مهدی زاده، حسین. (۱۳۸۵ش). راهنمای پژوهش نویسی (روش شناسی تهیه پایان نامه) چاپ اول. قم: مرکز نشر هاجر.

نجاتی، محمد عثمان. (۱۳۸۶ش). قرآن و روانشناسی. ترجمه عباس عرب. چاپ هفتم. قرآن و روانشناسی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

نوری همدانی، حسین. (۱۳۸۶ش). احکام جوانان. مطالب فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و مسائل شرعی. چاپ پانزدهم.